

درستایش سنگلج



اردشیر آل عوض

نصرالله حدادی

مهدی گوهری

حمیدرضا نرنجی نژاد



محمود منبعی



علیرضامانی



حمید ناصری

یکی از نخستین محله‌های تهران قدیم است که تهران امروز با این همه خیابان، برج و بزرگراه از آنجا پا گرفت و به کلانشهری چند میلیونی تبدیل شد؛ محله‌ای اعیان نشین و متشکل از چند محله کوچک تر در دوره قاجار که در هر کوی و برزن آن می‌شد با رجال سیاسی برجسته، هنرمندان، تجار و بازرگانان بنام آن روزگار ملاقات کرد. در این شماره از همشهری محله سراغ تاریخی، هویت، گذر، عمارت‌ها، اماکن برجسته، آب‌انبارها و قنات‌ها، کوچه‌های خاص، بازارچه‌ها و حمام‌ها، کاروانسراها، معرفی رجال مذهبی و فرهنگی و دیگر ویژگی‌های این محله تاریخی رفتیم. مطالب این پرونده حاصل تور «سنگ و ریح» و بازدید از اماکن تاریخی محله سنگلج با حضور نصرالله حدادی (تهران پژوه) حمیدرضا نرنجی نژاد، عضو هیأت مؤسس انجمن سنگلج و گفت‌وگو با تهران پژوهان، علیرضا زمانی، اردشیر آل عوض، محمود منبعی، حمید ناصری و مهدی گوهری مدیر انجمن سنگلج و نیز نهمین نشست «محله من» است که با حضور جمعی از معتمدان و اهالی قدیمی محله سنگلج برگزار شد.

از کوچه آب‌پخش کن تا کوچه قاپوچی باشی و ماماسگرها



آب‌پخش کن، محل پخش آب در نواحی مختلف محله بود. کوچه آب‌پخش کن در «نقشه نجم‌الدوله» در ضلع غربی چهارراهی جانمایی شده و شرق به غرب از نبش تکیه آب‌پخش کن و کوچه دباغخانه آغاز می‌شود و تا کوچه قاپوچی باشی امتداد می‌یابد. در کوچه قاپوچی باشی هم گویا محمد آقا تبریزی، قاپوچی باشی دربار مخصوص ناصرالدین شاه ساکن بود و نام او بر سردر این کوچه باقی ماند. همچنین اغلب کردها در یک کوچه در سنگلج ساکن بودند که به آن کرديچه می‌گفتند. طوبی مسگرها، معروف به ماماسگرها نخستین قابله سنگلج بود که بسیاری از کودکان دیروز و ریش سفیدان امروز محله توسط او متولد شدند. نام او روی تابلوی لاجوردی کوچه (ماماسگرها) نقش بسته است. به گفته حمیدرضا نرنجی نژاد این زن به واسطه علم و تجربه‌اش مدتی هم در مریضخانه دولتی ایران (بیمارستان سینای فعلی) به تربیت شاگرد مشغول بود.



شمال غربی محله سنگلج را (مکان فعلی پارک شهر) به محل دباغی تبدیل کردند و این محدوده به دلیل بوی بد و زنده‌اش خالی از سکنه بود. همچنین کوچه

■ موضوع: کوچه‌های قدیمی
■ ویژگی: نام کوچه‌ها در سنگلج شناسنامه و معرفی کننده پیشینه آنهاست

آب‌پخش کن، دباغخانه، درپچه، کرديچه، ارامنه، پشت‌بدنه، تکیه، جناب وزیر، سواره نظام‌ها، صاحب اختیار، قاپوچی باشی، قهوه‌چی باشی، نجارباشی و مافی‌ها نام‌های شنیدنی و جذابی است که روزگاری کوچه‌های محله سنگلج به این نام‌ها خوانده می‌شدند. در گذشته بیش از ۷۰ کوچه در محله سنگلج ایجاد شده بود که نام و نشان آنها با هویت تاریخی ساکنانش گره خورده و ارتباط مستقیم داشت. نصرالله حدادی متن کوتاهی از کتاب جعفر شهری درباره این کوچه‌ها را برایشان می‌خواند: «تهران بود و کوچه و معابری تنگ و گشاد، کج و کوله در بدترین منظر از خاک و کثافت همراه با گل و لجن که در تابستان کفش و جوراب را تا بالای مچ شلوار غرق خاک و در زمستان تا مهره کمر می‌کرد، مگر جلوی در خانه و جلوخان و پشت دیوار خانه بعضی از دولت‌مندان که با سنگ‌های قلوهای فرش شده بود.» این کوچه‌ها با جدا کردن بخش شمالی و تعریض خیابان خیام و تحول محله، هنوز بافت تاریخی خود را حفظ کرده است. حدادی درباره هویت تاریخی و نام این کوچه‌ها می‌گوید: «نام کوچه دباغ‌ها به شغل و حرفه ساکنان این کوچه برمی‌گردد. دباغ، کسی است که پوست گاو و گوسفند و... را با مواد شیمیایی مخصوص و وسایلی خاص و با مهارت و مراثت بسیار در مراحل دشوار آماده و برای تهیه کیف و کفش و لباس مهیا کند و دباغخانه هم جایی است که دباغ تمام مراحل فرآوری پوست را در آنجا انجام می‌دهد. روزگاری دباغ‌ها

راز یک نامگذاری



■ موضوع: حدود، تاریخچه و سیر تغییرات محله سنگلج
■ ویژگی: مساحت بیشتر نسبت به معدود محله‌های تهران قدیم

قدمت محله سنگلج به سال ۱۲۵۰ شمسی می‌رسد؛ آن زمان آبادترین و بزرگ‌ترین محله بود. سنگلج طی سال‌ها با تغییر حکومت‌ها افت و خیز زیادی را تجربه کرد. ابتدا روستای خوش آب و هوایی در اطراف تهران بود، زمانی که شاه طهماسب تصمیم گرفت به تهران و حومه آن سرو سامان بدهد با گودبرداری از دو محله چال میدان و چال حصار برای ورود به تهران دروازه‌هایی تعیین کرد. دروازه قزوین در محله سنگلج یکی از چهار دروازه اصلی شهر و تنها دروازه ورودی غربی محسوب می‌شد. این محله در زمان قاجار ترکیبی از باغ‌ها و قنات‌ها و چشمه‌های زیرزمینی و کاشانه‌های اهالی بود.

وقتی ناصرالدین شاه دستور داد حصار ناصری، جای حصار طهماسبی را بگیرد و شهر تهران گسترش پیدا کند، سنگلج دیگر در دروازه غربی تهران نبود، بلکه به وسط شهر کشیده شد.

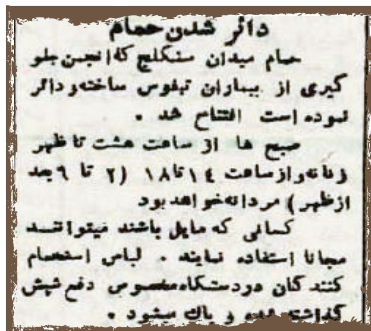
نصرالله حدادی، تهران پژوه، درباره دلایل تخریب بخش بزرگی از محله سنگلج می‌گوید: «جعفر شهری سه دلیل برای تخریب محله بیان می‌کند. نخستین دلیل به شخص رضاشاه و سوابق شرارت و عریه‌داری او در محله سنگلج برمی‌گردد. به نظر عده‌ای، رضاشاه برای پاک کردن سابقه خود اقدام به تخریب این محله کرد. گفته می‌شود دومین دلیل، وجود آب بد منطبقه بود که آب فاضلاب بخشی از شهر به آنجا نفوذ کرده بود. سومین دلیل که رئیس پلیس ایتالیایی تهران «کنت مونت دو فرت» در گزارش‌های خود منتشر کرد مربوط به جرم خیز بودن محله بود که می‌گویند یکی از دلایل تخریب شمال محله سنگلج به شمار می‌رفت.»

حمید ناصری، تهران پژوه درباره وجه تسمیه سنگلج توضیح می‌دهد: «چیدن سنگ‌هایی به صورت ریح یا ردیف برای تقسیم آب کرج که محل اصلی تامین آب شهر بود دلیل اصلی نامگذاری این محدوده به حساب می‌آید. از سوی دیگر، با همین شیوه ریح و ردیف سنگ، تقسیم زمین هم در این محله انجام می‌شده، به همین دلیل به این محله سنگرچ می‌گفتند که به مرور در زبان مردم به سنگلج تبدیل شده است.»

دستگاه شپش کش در گرمابه میدان!



انواع بیماری شیوع پیدا کرد. خیری که روزنامه اطلاعات چاپ کرد با این مضمون بود: «حمام میدان سنگلج که انجمن جلوگیری از بیماران تیفوسی ساخته و دایر نموده است، افتتاح شد. کسانی که مایل باشند می‌توانند مجانا استفاده نمایند. لباس استحمام کنندگان در دستگاه مخصوص دفع شپش گذاشته شده و پاک می‌شود.»



است. حمام دیگری در سنگلج وجود داشت به نام حمام میرزا حسن خان که در گذر میرزا حسن خان قرار داشت. از آنجا که بیشتر حمام‌ها در سطح پایین تر از زمین ساخته می‌شدند و پله داشتند این حمام به مرور زمان زیرزمین دفن شده است و رویش پارک ساخته‌اند. حمام دیگری به نام حمام وزیر دفتر بود که مربوط به خاندان دکتر مصدق بود. این حمام‌ها و به پاتوق معتادان تبدیل شده است. «باین حال جالب‌ترین روایتی که از حمام‌های سنگلج وجود دارد مربوط به خبری است که در روزنامه اطلاعات سال ۱۳۲۲ درج شد. زمانی که ایران توسط متفقین اشغال شد به واسطه حضور نیروهای نظامی

■ موضوع: حمام‌های قدیمی

■ ویژگی: ساخت حمام توسط رجال سیاسی

گرمابه‌های سنگلج نامشان را از شخصیت‌های مهم و رجال سیاسی گرفته بودند؛ از معیرالممالک گرفته تا مستوفی‌الممالک که وقتی صحبت از آبادانی تهران است نام این دو خودنمایی می‌کند. سنگلج حمام کم نداشت. مرکزیت این محله تاریخی و رفت‌وآمدهای بی‌شماری که آنجا انجام می‌شد باعث شده بود تا حمام‌های معروفی داشته باشد. این حمام‌های عمومی علاوه بر اینکه مکانی برای شست‌وشوی تن و پاکیزگی بدن بودند مکانی برای آشنایی‌ها و دیدوبازدید و مرکزی برای پخش خبر در محله هم به شمار می‌رفتند. به قول معروف، در گذشته خبرهای دست اول را باید در حمام بازار می‌شنیدید.

حمیدرضا نرنجی نژاد، عضو هیأت‌مدیره انجمن سنگلج می‌گوید: «معیرالممالک و مستوفی‌الممالک به تهران خدمات زیادی کرده‌اند. ساخت بسیاری از مساجد، آب‌انبارها، حمام و مدرسه‌ها به نام این دو شخصیت است. در سنگلج هم حمام معیر به نام معیرالممالک و حمام مستوفی به نام مستوفی‌الممالک وجود داشت. البته حمام مستوفی تخریب شد و حمام معیر متروک و غیر قابل دسترس